

Illegitimate power and fragile political stability in the first Pahlavi period

Received: 2023/11/09

Accepted: 2024/01/14

Hadi Kazemzadeh*
(204-222)

Considering the special place of encyclopedias in injecting information, and awareness in general and even at the level of the general public or even researchers, review and critique, the articles compiled in this encyclopedia and determining the validity and accuracy of the content presented in those articles is necessary and certain. The Encyclopaedia Americana, the world's oldest English-language encyclopedia and well-known among the world's public encyclopedias, is a reference encyclopedia written by more than 6,500 researchers on a variety of topics. The incomplete and erroneous picture of the Shi'ah and Shi'ah Imams presented in this encyclopedia, with the help of library tools and referring to historical and hadith sources, led the author of this article to critique and review the article "Ali" in this encyclopedia. The brevity of the article on the most important figure in the Islamic world after the noble Prophet [PBUH], incorrect and one-sided analyzes, as well as fanatical attitudes resulting from incorrect and incomplete information and limited references in this article written by Orientalist William Montgomery Watt are among the criticisms of this entry in the American Encyclopedia.

Keywords: Imam Ali, Shia, Encyclopedia, Americana, William Montgomery Watt, History of Islam.

*. PhD student of Islamic History and Civilization, Faculty of Theology and Religions, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, hadi.kazemzadeh@chmail.ir.



نقد و بررسی مقاله «علی» در دایرةالمعارف آمریکانا

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۴

هادی کاظمزاده*

(۲۰۴-۲۲۲)

چکیده

با توجه به جایگاه ویژه دایرةالمعارفها در تزریق اطلاعات و آگاهی بخشی به صورت کلی و عمومی در سطح عموم یا حتی پژوهشگران، بررسی و نقد مقاله‌های تدوین شده در این دایرةالمعارفها و تعیین میزان اعتبار و صحت مطالب مطرح شده در آن مقاله‌ها، امری لازم و حتمی است. دایرةالمعارف آمریکانا که قدیمی ترین دایرةالمعارف انگلیسی زبان جهان به شمار می رود و از اعتبار و شهرت خوبی میان دایرةالمعارفهای عمومی جهان برخوردار است، از دانشنامه های مرجعی است که در موضوعات متنوع، به قلم بیش از ۶۵۰۰ محقق نگاشته شده است. تصویر ناقص و اشتباهی که از شیعه و امامان شیعه علیه السلام در این دایرةالمعارف ارائه شده، نویسنده این مقاله را برآن داشت تا در این نوشته، با ابزار کتابخانه ای و با مراجعه و استناد به منابع تاریخی و حدیثی، به نقد و بررسی مقاله «علی» در این دایرةالمعارف دست یازد. کوتاه و مختصر بودن مقاله در مورد مهم ترین شخصیت جهان اسلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، تحلیل های نادرست و یک سونگرانه و نیز برخوردهای متعصبانه ناشی از اطلاعات نادرست و ناقص و ارجاعات محدود در این مقاله، از جمله نقدها به این مدخل در دایرةالمعارف آمریکانا است که توسط خاورشناس، ویلیام مونتگمری وات به رشته تحریر درآمده است.

واژگان کلیدی: امام علی علیه السلام، شیعه، دایرةالمعارف، آمریکانا، ویلیام مونتگمری وات، تاریخ اسلام.

*. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن اسلامی اسلامی، دانشکده الهیات و ادیان، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران،

.hadi.kazemzadeh@chmail.ir

مقدمه

شخصیت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در آغاز و سرنوشت اسلام به مثابه تأثیرگذارترین شخصیت پس از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله است که وارث نبی اکرم صلی الله علیه و آله و باب‌العلم ایشان به شمار می‌رود. شأن نزول آیات فراوانی از قرآن در مورد علی علیه السلام است. برخی مفسران اهل سنت نیز آیات نازل شده در شأن امیرالمؤمنین علی علیه السلام، امامت و مناقب ایشان را بیش از سیصد آیه می‌دانند؛ چنان که گنجی شافعی و ثعلبی به نقل از ابن عباس آورده‌اند: «نزلت فی علی بن ابی طالب اکثر من ثلاثمائة آیه» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۹۸؛ گنجی شافعی، ۱۴۰۴: ۲۳۱؛ قندوزی، ۱۴۲۲: ۱۲۶).

این شخصیت عظیم همیشه در تاریخ مورد توجه افراد و شخصیت‌های فراوانی در میان همه طبقات مردم و به‌ویژه دانشمندان قرار گرفته است. در میان اندیشمندان و قلم‌به‌دستان غربی و خاورشناسان نیز کسانی در مورد این شخصیت ویژه قلم‌فرسایی کرده و به معرفی ایشان پرداخته‌اند.

دلیل توجه به چنین نوشته‌هایی، نه اتقان این نوشته‌ها، بلکه نقد برخی دیدگاه‌هایی است که پژوهش‌های ناقدان و خاورشناسان غربی در هر زمینه‌ای را علمی دانسته و حتی فهم متون قدیمی و منابع اصیل دینی را تنها در صورت نگاه از پنجره این پژوهش‌ها کامل می‌دانند. این گروه برای پنداشت علمیت این آثار، دو دلیل اصلی بیان می‌کنند که عبارت است از: «جانبدارانه نبودن» و «رجوع به منابع اصیل و دست‌اول». ما نیز ضمن برخی نقدها، این دو گزینه را نشان از ارزیابی علمی یک پژوهش می‌دانیم؛ ولی اینکه آیا پژوهشگران و خاورشناسان غربی در عمل تا چه حدی به چنین اصولی پایبند و وفادارند، از طریق نقد نوشته‌ها و مقاله‌های ایشان آشکار می‌شود که در این پژوهش دنبال این مطلبیم.

ویلیام مونتگمری. وات (William Montgomery Watt) از جمله شیعه‌پژوهانی است که درباره رویدادهای جهان اسلام و به‌ویژه تشیع نگاه خاصی دارد. او در نقل و تحلیل‌های خود - بسته به کمبود اطلاع و نوع نگرشی که درباره شیعه داشته - دچار اشتباه شده و حتی اغلب غرض‌ورزانه و یک‌سونگرانه به مسائل و شخصیت‌های شیعی پرداخته است؛ به همین سبب نتایجی که از تحقیقات او حاصل شده، دارای موارد خلاف واقع و گاه همراه با اظهارنظرهای کم‌مایه و مبتذل است.

در این پژوهش کوتاه، نگاهی به مقاله «علی» در دایرةالمعارف آمریکانا، نوشته ویلیام منتگمیری وات، استاد دانشگاه ادینبورو (University of Edinburgh) در اسکاتلند داریم و به نقد آن خواهیم نشست؛ ترجمه این نوشته ایشان، در کتاب تصویر شیعه در دایرةالمعارف آمریکانا، نوشته دکتر محمود تقی زاده داوری، چاپ شرکت چاپ و نشر بین الملل در سال ۱۳۸۲ در کنار دیگر مدخل‌های مربوط به اسلام و تشیع موجود است.

۱. معرفی کوتاه ویلیام منتگمیری وات

او اسلام‌شناس و استاد زبان عربی و مطالعات اسلامی، متولد ۱۹۰۹ میلادی در اسکاتلند است که تحصیلات خود را در رشته فلسفه به پایان رسانده و رساله دکترایش را با موضوع «جبر و اختیار در آغاز اسلام» دفاع کرده است. او پس از مدتی پژوهش در اسلام به درخواست اسقف انگلیکن (وابسته به کلیسای پروتستان انگلیس) در اورشلیم، از سال ۱۹۴۷ به عنوان «رئیس بخش مطالعات عربی و اسلامی» در دانشگاه ادینبورو به فعالیت‌های علمی ادامه داد و سرانجام در سال ۲۰۰۶ درگذشت.

منتگمیری از خاورشناسانی است که آثار بسیاری از او در اسلام‌شناسی و تشیع به جا مانده است. او در این نوشته‌ها و تحلیل‌های خود به منابع اولیه اسلامی اهل سنت و خاورشناسان پیشین تکیه دارد که جهت‌گیری در تحلیل تشیع و یک‌جانبه‌نگری در این آثار، از شاخصه‌های آن است. افزون بر این، نظر این نویسنده خاورشناس در مورد قرآن نیز جالب توجه است؛ او در یکی از مصاحبه‌هایش، قرآن را کتابی آسمانی می‌داند که باید به زمان و مکان خاصی محدود باشد: «تمایل دارم بگویم که قرآن کلام خدا برای زمان و مکان خاصی است و به همین دلیل لزوماً متناسب با اوقات و مکان‌های دیگر نخواهد بود» (http://www.alastairmcintosh.com/articles/2000_watt.htm، مراجعه در تاریخ ۹۸/۸/۲۲).

۲. معرفی دایرةالمعارف آمریکانا

در کتابی که با عنوان تصویر شیعه در دایرةالمعارف آمریکانا زیر نظر محمود تقی زاده داوری نگاشته شده است، دایرةالمعارف آمریکانا این‌گونه معرفی می‌شود:

«دائرةالمعارف آمریکانا قدیمی ترین دائرةالمعارف انگلیسی زبان جهان به شمار می‌رود و طبعاً به لحاظ این قدمت از اعتبار و اشتها ویژه‌ای در میان دائرةالمعارف‌های عمومی جهان برخوردار است. این دائرةالمعارف توسط یک آلمانی تبعیدشده به ایالت بوستون آمریکا به نام فرانسیس لیبر در سال ۱۸۲۹ پایه‌گذاری گردید. اگرچه چاپ اول آن سیزده جلد بود؛ ولی امروزه تا مرز سی جلد رسیده است که حاوی ۴۵۰۰۰ مقاله می‌باشد و ۶۵۰۰ محقق در نوشتن مقالات آن مشارکت داشته‌اند. از این حجم، بخش مربوط به تشیع و شیعیان تنها ۹۳ مقاله را تشکیل می‌دهد که تعداد ۲۲ تای آن بدون ذکر نام نویسنده آورده شده است و مقاله «شیعه» تنها در چهار سطر نگارش شده است. در میان نویسندگان این مقالات، نام برخی از اسلام‌شناسان معروف مغرب‌زمین همانند مونتگمری وات و بازورث نیز دیده می‌شود. برخی از این مداخل عبارت‌اند از: محمد، اسلام، تشیع، عاشورا، کربلا، ایران، تصوف، امامیه، اهل سنت، اسماعیلیه، بنی‌هاشم، علی، جهاد، خدیجه، فاطمه، حسن، حسین و مهدی و ...» (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۲: ۱۳).

از موارد عجیب در این دائرةالمعارف، مداخل مربوط به امامان شیعه علیهم‌السلام به‌ویژه حضرت علی علیه‌السلام است که توسط دلبلیو. مونتگمری وات نگاشته شده و معلوم نیست چرا با توجه به شخصیت بی‌نظیر و استثنایی ایشان و فراوانی منابع موجود در مورد آن حضرت، این مدخل کمتر از دو صفحه را به خود اختصاص داده است. این نویسنده حتی در نوشته خود در مورد حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام در این دایرةالمعارف که در یک مقاله کمتر از سه پاراگراف کوتاه نوشته شده، عقیده شیعیان درباره شهادت ایشان را افسانه‌سرایی می‌داند.

۳. نقد روش مونتگمری در مطالعات شیعی

در مورد روش نویسنده این مدخل باید گفت روش تحقیق او صرفاً تاریخی است و بر پایه منابع مخالفان شیعه استوار است که بر خلاف دو معیار علمیت مطرح شده، یعنی «جانبدارانه نبودن» و «رجوع به منابع اصیل و دست‌اول» است که هم در ساختار نوشته و هم در محتوا دچار اشتباه می‌شود. به علاوه اینکه او در تحلیل‌ها و نقل‌های خود، با توجه به مراجعه صرف به تاریخ، حتی اندیشه‌ها و فرقه‌ها و مذاهب را بر اساس محوریت منابع

تاریخی و مطالب موجود در آن و نیز مشهورات تاریخی تحلیل می کند؛ درحالی که طبق شیوه‌های علمی تاریخ، در پذیرش اخبار هرگز به شهرت آن بسنده نمی‌کنند و با مطالعه اخبار معارض باید به جمع‌بندی صحیح رسید؛ در مواردی نیز که اختلاف اندیشه و عقیده در آنها نمود و برجستگی خاصی دارد، باید تحلیل‌ها، ضمن استفاده کامل و صحیح از منابع تاریخی، اندیشه‌محور نیز باشد. استفاده از منابع تاریخی نیز باید به گونه‌ای باشد که فقط منابع یک اندیشه و عقیده ملاحظه نشود و تمام تحلیل‌ها بر آن پایه بنیان نهاده نشود؛ بلکه با مراجعه به منابع دست‌اول و معتبر تاریخی مخالفان اندیشه‌ای و عقیدتی، ضمن اطلاع از کم و کیف و دلیل این اختلافات، به تحلیلی صحیح و جامع دست یافت؛ آنچه نوشته‌های مونتگمری درباره شیعه، عمدتاً از آن خالی است و او تنها با استفاده از برخی منابع تاریخی اهل سنت، در تعریف و تحلیل شیعه دچار پیش‌داوری و پیش‌فرض و نگاه کاملاً جانبدارانه و منفی شده است که در دستیابی به حقیقت و دوری از غرض‌ورزی، این راه خطایی است که پیموده می‌شود.

این خطا را خاورشناس یهودی، اتان کلبرگ (Kohlberg, Etan) نیز در نوشته خود با عنوان «مطالعات غربی درباره اسلام شیعه» یادآور می‌شود و مراجعه به منابعی را که گاه به شیعه نگاهی مغرضانه داشته‌اند، نادرست و ناکافی می‌داند (Kohlberg, 1987: 34). برای نمونه می‌توان به عقاید خاص شیعه در مورد «امامت» اشاره کرد که به یقین منابع اهل سنت نمی‌تواند درک و تصویر صحیحی از این عقیده را که مورد اختلاف بین تشیع و اهل سنت است، به نمایش بگذارد.

۴. نقد محتوایی مقاله

اصل مهمی که در مقاله‌های دایرةالمعارفی باید بدان توجه داشت، دوری از پیش‌داوری‌ها یا داوری‌های بی‌دلیل و منبع و نیز پرهیز از اظهارنظرهای متعصبانه یا غرض‌ورزانه، همچنین مجاز نبودن ثناگویی یا بدگویی‌هاست که در صورت وجود چنین اموری، از ارزش مقاله‌ها و نیز ارزش خود دایرةالمعارف‌ها کاسته می‌شود.

نگاهی اجمالی به مقاله «علی» (Ali) در دایرةالمعارف آمریکانا نشان می‌دهد این نوشته

کوتاه کاستی‌های فراوانی دارد و بسیاری از جنبه‌های زندگانی این شخصیت بی‌نظیر تاریخی که منابع شیعه و سنی سرشار از آن است، بازگو نشده و حتی مطالب خلاف واقع و غرض‌ورزانه و همراه با اشتباهات و پیش‌داوری‌ها به ایشان نسبت داده می‌شود.

۴-۱. امپراتوری عرب

نخستین اشتباه نویسنده این مدخل که ناشی از نداشتن مطالعه کامل و صحیح و رجوع نکردن به منابع اسلامی و مبانی عقیدتی و حکومتی اسلام است و در نهایت حتی به تفرقه افکنی و دور کردن مردمان ملل دیگر از گرایش به دین مقدس اسلام می‌انجامد، ادعای عربی بودن حکومت اسلام و جایگزینی حکومت اسلامی با امپراتوری عرب است. او در نخستین کلمات نوشته خود می‌نویسد: «علی چهارمین خلیفه یا حاکم امپراتوری عرب بود که به وسیله محمد پیامبر تأسیس شد...» (تقی‌زاده، ۱۳۸۲: ۲۹۸). نخستین پرسش در این قسمت از نوشته این است که دلیل اصرار چنین نویسندگانی به عربی کردن حکومت اسلام چیست و آیا پیامبر ﷺ حکومت و «امپراتوری عرب» را ایجاد کرد یا حکومتی ایجاد نمود که در آن قومیت و نژاد دخیل نیست و معیار اصلی در آن، فضیلت و تقواست؟

اشکال اول در «امپراتوری» نامیدن حکومت اسلام، آن هم در دوره پیامبر ﷺ و صدر اسلام است. این پنداشت شاید در دوره‌های بعد، مانند دوره هارون الرشید عباسی که در دایرةالمعارف اسلام، چاپ لیدن^۱ به «دوران طلایی اسلام» (The Golden Age Of Islam) شهرت یافت، صحیح باشد؛ اما در دوره‌های ابتدایی به یقین امپراتوری به معنای مصطلح و مشهورش^۲ وجود نداشته است. اشکال دوم چرایی اصرار بر عربی جلوه دادن حکومت

۱. (The Encyclopaedia of Islam) یا (EI) یا دانشنامه اسلام، چاپ توسط انتشارات بریل در لیدن هلند؛ نتیجه دو سده تحقیق خاورشناسان اروپایی (مسلمان و غیرمسلمان) در زمینه اسلام (اعلام، اماکن، کتب و مفاهیم) است. کار نگارش آن از سال ۱۹۰۶ و زیر نظر مارتین تئودور هوتسما به زبان انگلیسی آغاز شد ...

۲. از شاخصه‌ها و ویژگی‌های امپراتوری به این مورد اشاره می‌شود: «از استیلای یک قبیله یا ملت توانمندتر بر سایر اقوام یا مردم حاصل شده باشد، به شرطی که غلبه استمرار یابد و ملت‌های مغلوب حقیر شمرده ←

اسلام است. همان گونه که اصرار وصف «پیامبر اسلام» و در نتیجه منحصر کردن نبوت ایشان در میان مسلمانان غلط است، اصرار بر عربی کردن حکومت اسلام نیز به همان سان غلط است؛ به ویژه با فضای ایجاد شده در دنیا و فیلم های تولیدی غرب مبنی بر نفرت پراکنی از عرب، بسیار مشکوک جلوه می کند.

به نظر می رسد این تفکیک و انحصارها به هیچ وجه درست نیستند و قصد در محدود کردن رسالت جهانی اسلام دارند که با عنوان نوشته های علمی، چنین اشتباهات عمده را به جهانیان و حتی خود مسلمانان القا می کنند.

افزون بر آیه ۱۳ سوره حجرات که ملاک فضیلت و برتری را تقوا و نه قومیت و نژاد بیان می کند، روایات مختلف و فراوانی است که به نبود تفاوت میان عرب و غیر آن در تمسک به دین الهی اسلام اشاره دارد؛ از جمله فرمایش پیامبر ﷺ که می فرماید: «هیچ عربی بر هیچ عجمی جز به خاطر مراعات تقوا برتری ندارد» (الجصاص الحنفی، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ۵۴۳)؛ در روایتی دیگر نیز امام صادق ﷺ به نقل از رسول اکرم ﷺ، ولایت رسول خدا ﷺ و در حقیقت اسلام را برای همه مردم می داند و نه تنها عرب: «(رسول خدا ﷺ فرمود: من ولی تمام مسلمانان — چه عرب و چه عجم — هستم» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۶۴: ۱۶۹). اینها افزون بر صریح آیه ای است که می فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» (انبیاء: ۱۰۷)؛ یعنی تو رحمتی هستی که به سوی همه جماعت های بشری فرستاده شده ای و نه تنها عرب، تا حاکمیت اسلام به غلط به امپراتوری عرب تعبیر شود.

۴-۲. از نخستین مسلمانان

مونتهگری در مقاله خود با این بیان که «علی ... در حالی که تقریباً ده ساله بود، دین محمد را

→ شوند؛ چندان که وحدت امپراتوری بیشتر از طریق اعمال توان حاصل شده باشد تا از راه رضایت خاطر اقوام متنوع»؛ (کولیاوکوله، ۱۳۹۲: ۹۳؛ آشوری، ۱۳۸۳: ص ۳۵)؛ در حالی که چنین شاخصه هایی در حکومت اسلام دیده نمی شود؛ اسلام نه ملتی را تحقیر می کند و نه از طریق نارضایتی مردم بر ایشان حکمرانی می نماید.

پذیرفت و جزو نخستین مسلمانان گردید»، علی علیه السلام را «جزو نخستین مسلمانان» و نه «اولین مسلمان» معرفی می‌کند؛ او تنها در این مقاله نیست که علی علیه السلام را چنین معرفی می‌کند؛ بلکه در نوشته دیگر خود با نام محمد، پیامبر و دولتمرد (Muhammad; Prophet and Statesman) که توسط انتشارات دانشگاه آکسفورد به چاپ رسیده است، افراد دیگری از جمله زید بن حارث یا ابوبکر را به عنوان اولین مسلمان معرفی می‌کند و علی علیه السلام را در رده‌های بعدی می‌داند (Montgomery Watt, 1974: 34-35).

این در حالی است که افزون بر تمامی کتاب‌های حدیثی و تاریخی شیعه (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۸: ۲۶۲. کوفی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۲۸۲ و ۲۹۵ و ...)^۱، در کتاب‌های اهل سنت نیز، از جمله صحاح سته به عنوان مهم‌ترین آنها، امیرالمؤمنین علیه السلام «اولین مسلمان» و نه «از اولین مسلمانان» معرفی شده است (فیروزآبادی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۳۰۸)؛ برای نمونه علامه امینی به نقل از حاکم در مستدرک و خطیب بغدادی در تاریخ خود و نیز ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله این‌گونه آورده است: «اولین کسی که بر حوض وارد می‌شود، اولین کسی است که اسلام آورده و او علی بن ابی طالب است» (امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۲۲۱-۲۲۰)؛ همچنین علامه امینی از بیش از هفت کتاب مهم اهل سنت مانند مستدرک حاکم، کامل ابن اثیر و استیعاب نقل می‌کند: «اولین کسی که بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله به خدا ایمان آورد، علی بن ابی طالب علیه السلام بود» (همان: ۲۲۵). این نوشته مونته‌گمری در این مقاله از دایرةالمعارف آمریکانا و نیز در کتاب محمد، پیامبر و دولتمرد، برگرفته از منابع اهل سنت و آن‌هم بدون مراجعه و تتبع دقیق در همه منابع — چه منابع دست‌اول و چه منابع دست‌چندم — است؛ به‌گونه‌ای که روایات موجود در کتاب‌های مهمی که در پاورقی معرفی شدند، به این مطلب صراحت دارند که علی — علیه الصلاة والسلام — نخستین مسلمان است و حتی برخی از این منابع به صراحت وصف نخستین مسلمانان را از غیر علی علیه السلام نفی و

۱. ر.ک. مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۸: ۲۶۲ به نقل از الفصول المختاره، شیخ مفید: «اجتمعت الامه علی أن امیرالمؤمنین علیه السلام، اول ذکر اجاب رسول الله صلی الله علیه و آله: امت اسلام اجماع دارند که از میان مردان، علی علیه السلام اولین مسلمان بوده است»؛ ر.ک. کوفی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۲۸۲ و ۲۹۵: «أن علیاً علیه السلام أول من آمن باللّه ورسوله و...»

انکار می کنند (ابن عبدالبر، ۱۹۹۲م، ج ۳: ۱۰۹۲). این نوع بیان کردنِ مطلب علمی و تاریخی که در بهترین حالت، آن را تتبع ناقص در منابع می دانیم، شایسته پژوهشگری نیست که نویسنده مقاله های دایرةالمعارفی است و به عنوان «اسلام شناس» مشهور شده است. چنین تتبعات ناقص یا غرض ورزی ها در نوشته های دیگر این نویسنده نیز قابل ردیابی است.^۱

۳-۴. نقل اغراق آمیز دلاوری های علیؑ در نبردها

این نویسنده در قسمت دیگری از مقاله کوتاه خود، با آوردن این جمله: «گفته شده که علی در جنگ دلاورانه نبرد می کرد؛ اما این مطلب چه بسا اغراق آمیز باشد»، افزون بر نقل با نیش و کنایه و با فعل مجهول (گفته شده)، نقل هایی را که از دلاوری های پیاپی امیرالمؤمنینؑ در تاریخ موجود است، اغراق آمیز می داند و این بار این اغراق آمیز بودن را تنها به منابع شیعی (ر.ک: امین عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۳۸۴. جعفریان، ۱۳۸۹: ۵۱۶. مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۴۱: ۸۴. مفید، ۱۴۱۳ق الف، ج ۱: ۸۵ و ۹۸. امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۷: ۱۰-۱۴) نسبت نمی دهد؛ بلکه گویا حتی مطالب نقل شده از رشادت های امیرالمؤمنین علیؑ در منابع اهل سنت (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۱۷۸. حموی شافعی، ۱۴۰۰ق، ج ۱: ۲۵۸. قندوزی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۱۵۴. ابن حجر عسقلانی، ۱۹۹۵م، ج ۴: ۴۶۶. ابن حنبل، ۱۹۸۲م، ج ۲، ص ۸۱ و ۹۴ و...) به مذاق او خوش نیامده و آنها را سراسر اغراق آمیز و افسانه ای می داند.

مونتگمری در نوشته ها و از جمله مصاحبه ای که در اواخر عمر خود داشته (http://www.alastairmcintosh.com/articles/2000_watt.htm، مراجعه در تاریخ ۹۸/۸/۲۲)، قرآن را کتابی می داند که «تحریف در آن راه ندارد و همه آن صحیح است»؛ درعین حال از این نکته نیز غافل است که شأن نزول برخی از آیات قرآن، مناقب و ویژگی ها و بعضا رشادت های امیرالمؤمنینؑ است برخی منابع رشادت حضرت امیرالمؤمنینؑ و صلابت و فرماندهی ایشان در غزوة ذات السلاسل را سبب نزول سوره «عادیات» در شأن ایشان

۱. از جمله قسمت «فاطمه» و «حسن و حسین» و ... که به قلم همین نویسنده است، به صراحت بیشتری نشان داده و بدون سند و ارجاعی، اعتقادات شیعه را نادرست و گاه افسانه می خواند.

می‌دانند (ر.ک. عاملی، ۱۴۲۶ق، ج ۲۰: ۲۱۴؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۴: ۱۶۱؛ مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۰: ۳۰۸ و ج ۲۱: ۸۰؛ محمدی ری‌شهری، ۱۴۲۱ق، ج ۲: ۵۷۴؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱: ۳۸۲؛ اربلی، ۱۴۰۵ق، ج ۱: ۲۳۰؛ مفید، ۱۴۱۳ق الف: ج ۱: ۱۶۲؛ ابن‌شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ج ۱: ۱۷۴؛ شرف‌الدین، ۱۴۳۱ق، ۳۳۶؛ حلی، ۱۴۱۱ق: ۱۵۱).

این تناقض در گفتار این نویسنده را دوباره در بهترین حالت، به تتبع ناقص او در منابع اسلامی نسبت می‌دهیم؛ درحالی‌که نوشته‌های دیگر او، آکنده از غرض‌ورزی‌های پیاپی درباره شخصیت‌های مورد اعتماد و اعتنای شیعه است.

۴-۴. انتخاب به خلافت در مدینه فقط

این خاورشناس در ادامه مقاله خود، با این بیان: «... مسلمانان مدینه او را به عنوان خلافت برگزیدند؛ ولی انتخاب او از سوی همه پذیرفته نشد»، انتخاب امیرالمؤمنین علیه السلام به خلافت را فقط از سوی مسلمانان مدینه می‌داند، نه از سوی همه؛ درحالی‌که شواهد تاریخی خلاف این ادعا را گواهی می‌دهد؛ بدین نحو که پس از واقعه قتل عثمان، مردم سه روز بدون خلیفه بودند که پس از سه روز چنان‌که در کتاب‌های تاریخی ذکر شده، اهالی شهرها و سرزمین‌های گوناگون که در مدینه حاضر بودند (مادلونگ، ۱۳۷۷: ۱۹۸)، با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کردند و پس از بیعت ایشان در مرکز حکومت اسلامی - طبق روال حکومتی در آن دوران - با علی علیه السلام، مسلمانان سرزمین‌های اسلامی دیگر به جز شام (مقدسی، ۱۳۷۴: ج ۱: ۸۷۴-۸۷۵)، به شکل رایج آن روزگار با ایشان بیعت کردند؛ مثل آنچه مسعودی نقل می‌کند «ابوموسی از مردم کوفه برای علی علیه السلام بیعت گرفت» (مسعودی، ۲۵۳۶، ج ۱: ۷۱۰).

شرح مختصری از واقعه بیعت در الغارات بدین نحو به نقل از علی علیه السلام آمده: «بر سر من ازدحام کردید تا گمان بردم یکدیگر را خواهید کشت یا مرا خواهید کشت. گفتید: با ما بیعت کن، دیگری را نیابیم و جز تو را نپسندیم؛ با ما بیعت کن. متفرق نشویم و اختلاف کلمه نخواهیم داشت. من با شما بیعت کردم و مردم را به بیعت خود فراخواندم و هرکه به دل خواه با من بیعت کرد، پذیرفتم و هرکس سر باززد او را بدان وادار نکردم و به حال خود گذاشتم.

طلحه و زبیر بیعت کردند و اگر نکرده بودند، من به زور آنها را وادار نمی‌کردم» (ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، ۲۵۳۶: ۱۳۱-۱۳۲).

ابن اعثم نیز در الفتوح ماجرا را این‌گونه می‌نویسد: «همه مردم اعم از مهاجر، انصار و شورشیان بعد از قتل عثمان در مسجد جمع شدند. افرادی چون عمار یاسر، ابو الهیثم بن تیهان، رفاعه بن رافع، مالک بن عجلان، ابویوب و خالد بن یزید شیفته‌تر از دیگران بودند و عمار یاسر درباره فضایل علی علیه السلام سخن گفت. پس علی علیه السلام خواست مردم با طلحه و زبیر بیعت کنند و آنها پذیرفتند و علی علیه السلام را به لحاظ سابقه، فضیلت و قرابت با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مناسب‌تر دانستند و با او بیعت کردند. فردای آن روز مهاجران، انصار، اشراف، بزرگان عرب و عجم، مردم طبقات متوسط، موالی، حشم و هرکس در مدینه بود، همه با رضایت با علی علیه السلام بیعت کردند» (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲، ۳۸۹-۳۹۲).

مقدسی نیز می‌نویسد: «چون عثمان کشته شد، همگان به صورت علنی با علی علیه السلام بیعت کردند و جز مردم شام و معاویه، همه خلافت او را پذیرفتند» (مقدسی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۸۷۴-۸۷۵).
به اعتقاد ابن سعد نیز همه صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در داخل و خارج مدینه و نیز همه مردم این شهر در یک بیعت عمومی با رضایت و بدون هیچ‌گونه فشاری با علی علیه السلام پیمان بستند و هیچ‌کس از بیعت با آن حضرت خودداری نکرد (ابن سعد، ۱۴۰۵ق، ج ۳: ۳۱).
در منابع دیگر نیز اقوالی شبیه به چند مورد ذکر شده وجود دارد که خلاف ادعای مونتگمری در انحصار بیعت با علی علیه السلام تنها توسط مردم مدینه است که ذکر آنها به طول می‌انجامد.

۴-۵. جنگ صفین، علیه اعراب سوریه

نویسنده مقاله «علی» در ادعای نابجای دیگری، جنگ صفین را علیه معاویه و اعراب سوریه می‌داند و می‌نویسد: «جنگ صفین در سال ۶۵۷ میلادی علیه معاویه و اعراب سوریه، زمانی متوقف شد که ...» که این ادعا نیز نادرست است؛ چراکه جنگ صفین، نه جنگ عرب عراقی و سوری، به عنوان یک جنگ جغرافیایی است؛ بلکه جنگی با معیار و میزان «حق و باطل» و نیز در مسیر اهداف حکومت و تمکین معاویه از خلیفه و حاکم

سرزمین‌های اسلامی بوده است؛ هرچند که در نهایت لشکریان معاویه هم اغلب از مردمان سرزمین شام و سوریه بوده‌اند. شاهد این مدعا نیز وجود افرادی از مدینه یا عراق در میان لشکر معاویه (منقری، ۱۴۰۳ق: ۱۹۵، ۴۲۹، ۴۶۱، ۵۵۲ و ۴۵۵؛ ذهبی، ۲۰۰۶م، ج ۲: ۳۹۲ و ج ۳: ۹۱)^۱ است که نشان می‌دهد نبرد میان دو لشکر، نبرد بر سر جغرافیا و خاک نبوده؛ بلکه نبرد بر پایه ایمان و کفر و حق و باطل است.

۴-۶. پذیرش حکمیت توسط علیؑ، دلیل پایان جنگ صفین

مونتگمری در ادامه ادعای خلاف واقع یا نقل ناقص خود که فقط برشی از میان ماجرا و حذف ابتدا و انتهای آن است، می‌نویسد: «جنگ صفین در سال ۶۵۷ میلادی علیه معاویه و اعراب سوریه، زمانی متوقف شد که علی موافقت کرد تا ادعای خود نسبت به خلافت را به دو حکم واگذار کند.» در این نوشته، نویسنده مقاله — به اشتباه — پذیرش حکمیت را به گونه‌ای ظاهراً اختیاری به امیرالمومنینؑ نسبت می‌دهد؛ درحالی‌که پذیرش حکمیت امری نبود که به اختیار خود حضرت باشد؛ بلکه بر ایشان تحمیل شد. حتی شدت تحمیل این امر بر ایشان به حدی بود که حضرت نتوانست نمایندگان خود (مالک اشتر یا ابن عباس) را برای مذاکره و حکمیت بفرستد و به ناچار و بدون رضایت و بنا به اصرار لشکریان، ابوموسی اشعری را برای مذاکره فرستاد (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۴: ۱۹۷-۱۹۸).

دلیل یا حداقل شاهد دیگری که برای نپذیرفتن حکمیت توسط علیؑ می‌شود ارائه داد، این است که حضرت پس از ساده‌لوحی ابوموسی در خلع علیؑ از خلافت و خیانت عمرو عاص در واگذاری خلافت به معاویه، حاضر به پذیرش نتیجه حاصل از این مذاکره و حکمیت گذارانه نشده و لشکریان خود را برای ادامه نبرد با معاویه فراخواند (منقری، ۱۴۰۳ق، ۵۱۳-۵۱۴؛ بلاذری، ۱۹۹۶م، ج ۳: ۱۱۴ و ۱۲۲؛ طبری، ۱۹۶۷م، ج ۵: ۶۳، ۷۲ و ۷۸؛ مسعودی، ۲۵۳۶، ج ۳: ۱۴۴)؛ هرچند شهادت حضرت مانع از ادامه نبرد با معاویه شد.

۱. یاران معاویه شامل این افراد می‌شدند: عمرو بن عاص، عبیدالله بن عمر، ذوالکلاع، عبدالرحمن بن خالد بن ولید، عبدالله بن عمرو بن عاص، مروان بن حکم، معاویه بن حدیج، ضحاک بن قیس، بسر بن اوطاة، شرحبیل بن ذوالکلاع و حبیب بن مسلمه.

۴-۷. قتل عام ناراضیان از حکومت علوی

نویسنده در ادامه، امیرالمؤمنین علیه السلام را به قتل عام ناراضیان خود (خوارج نهروان) متهم کرده است: «... همان ناراضیانی که در سال ۶۵۸ میلادی به آنها حمله کرد و قتل عامشان نمود.» این قضاوت و چینش جملات، نادرست و خطاست؛ چراکه حضرت هیچ‌گاه با افراد صرفاً به خاطر ناراضی بودن از حکومت خود نبرد نکرد؛ بلکه در همه جا به ویژه در مورد خوارج نهروان، پس از نصیحت‌ها و نامه‌نگاری‌ها و مذاکرات پرشمار (بلاذری، ۱۹۹۶م، ج ۲: ۳۵۲) و سخنرانی پیش از آغاز جنگ که منجر به هدایت و خروج (دینوری، ۱۳۶۸: ۲۱۰) بیش از شش هزار نفر از میان لشکر خوارج بود (ر.ک. محمدی ری شهری، ۱۴۲۱ق، ج ۶: ۳۳۳-۳۴۰)، با باقیمانده‌ها جنگید. دلیل نبرد با افراد باقیمانده در گروه خوارج نیز نه به خاطر ناراضیاتی ایشان، بلکه به جهت انحرافات عقیدتی - (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۳۷، ج ۸: ۱۱۳؛ بغدادی تمیمی، ۱۹۷۷م، ۷۳؛ ابن حزم اندلسی، ۱۹۹۶م، ج ۲: ۱۱۳) و عملی (طبری ۱۹۶۷م، ج ۵: ۸۰-۹۲) و خروج بر علیه امام حق بوده است. امام علی علیه السلام تا زمانی که خوارج دست به شمشیر نبرده و در برابر امام حق، قیام و خونریزی نکرده بودند، جنگ با آنان را آغاز نکرد (بلاذری، ۱۹۹۶م، ج ۳: ۱۲۶-۱۳۳؛ طبری، ۱۹۶۷م، ج ۵: ۷۲-۷۴؛ مسعودی، ۲۵۳۶، ج ۳: ۱۴۴؛ ابن اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۳: ۳۳۵).

۴-۸. کشته شدن به خاطر انتقام‌جویی شخصی

شهادت یا به قول نویسنده، قتل حضرت توسط فردی بیان شده که انگیزه اش انتقام‌جویی شخصی بوده است. این بیان تقلیل ماجرا به یک جریان شخصی و نه عقیدتی یا سیاسی است؛ در حالی که تمام شواهد بر غیرشخصی بودن مخالفت خوارج با امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره دارد؛ ابن ملجم مرادی یکی از ده نفر زنده‌مانده پس از جنگ نهروان بود (مسعودی، ۲۵۳۶، ج ۲: ۳۸۵) که سرانجام موفق شد با شمشیر زهرآگین، در صبح روز نوزدهم ماه رمضان سال ۴۰ قمری با ضربتی امام را مجروح کند که حضرت پس از تحمل جراحت، در روز بیست‌ویکم به شهادت رسید.

۴-۹. بی‌کفایتی در حکمرانی

نویسنده امیرالمؤمنین علیه السلام را دولتمردی می‌داند که کفایت نداشت. برای این گفته خود نیز هیچ استناد و ارجاعی ندارد.

البته شاید این گفته نویسنده با توجه به مبانی فکری مادی و تمایز ندادن بین حق و باطل تا حدی توجیه پذیر باشد؛ چراکه در سیاست به معنای ماکیاولیستی، اصل سوار شدن بر مرگب حکومت و حکمرانی است و روش و شیوه آن مهم نیست؛ لذا باید با افرادی همچون معاویه سازگاری کرد و نبرد با او برای تمکین او به احکام اسلام، عملی نابخردانه است؛ اما در سیاستی که امیرالمؤمنین علیه السلام دنبال می‌کند، نمی‌شود کسانی با شاخصه‌های شخصیتی و عقیدتی و عملکردی در تراز معاویه بن ابی‌سفیان را به نام اسلام تحمل کرد.

در ضمن مونگمیری در نوشته خود که امیرالمؤمنین علیه السلام را به بی‌کفایتی متهم می‌کند، دلیلی جز تحمل نکردن معاویه نیاورده و به قضایای اطراف این مسئله نمی‌نگرد؛ چراکه اگر او خوب به تاریخ پس از امیرالمؤمنین علیه السلام و اقدامات و خونریزی‌های دهشتناک معاویه (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۱۶۲-۱۶۳؛ طبری، ۱۹۶۷م، ج ۴: ۲۰۷) و اینکه با خدعه و نیرنگ، به نام اسلام، خلافت را عهده‌دار شد؛ ولی پس از صلح با امام حسن علیه السلام، با پاره کردن صلحنامه اعلام کرد من نه برای نماز و زکات و روزه، بلکه به خاطر حکومت بر شما با حسن بن علی و پدرش جنگیدم، شاید به قسمتی از دلایل تحمل نکردن معاویه از سوی علی علیه السلام پی می‌برد. نیز او در وارد کردن چنین اتهامی به امیرالمؤمنین علیه السلام به هیچ سند و مدرکی ارجاع و استناد نمی‌دهد، دلایل خود را نیز بر نمی‌شمارد.

افزون بر آن، تاریخ‌نگارانی که کتاب‌های بسیاری با عنوان «غارات» نوشته‌اند، غارات را مجموعه حملات نامنظمی می‌دانند که معاویه در زمان خلافت علی بن ابی‌طالب علیه السلام به مناطق تحت خلافت حضرت در عراق و حجاز و... می‌کرد، که به صورت راهزنی و کشتن مردم عادی با هدف ایجاد رعب و وحشت بوده است؛ حملاتی که به صورت طبیعی توسط هیچ حکومتی تحمل نمی‌شود و باید به مقابله با آن پرداخت و اتفاقاً بی‌تفاوتی در برابر چنین جنایاتی، بی‌کفایتی قلمداد می‌شود، نه تنبیه متجاوز.

۴-۱۰. کسب احترام پس از مرگ

مونتگمری در بخش دیگری از نوشته خود، علی علیه السلام را کسی می‌داند که «... پس از مرگش بین شیعه احترام فراوانی به دست آورده است.»

این گفته او نیز ناشی از شناختن شیعه و توجه به برخی گفتارهای نادرست مخالفان در تاریخ نشو و پیدایش شیعه است که به دوره‌های پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و حتی سده‌های بعدی نسبت می‌دهند.

پذیرش امامت علی علیه السلام اقتضا دارد در زمان حیات ظاهری و پس از آن نیز دارای احترام ویژه باشد که کسانی چون سلمان، ابوذر، مقداد و عمار (محمدی اشتهاردی، بی تا: ۹۰) به عنوان ارکان شیعه که از زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله توفیق همراهی با علی علیه السلام را داشتند (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۳۷، ج: ۱: ۱۳۷-۱۳۸؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۳: ۴۶۱-۴۶۵)، شکل و چگونگی احترام به امام در دوره حیات را به اثبات رساندند. شیعیان دیگر نیز پس از شهادت ایشان، همواره ایشان را با عنوان امام اول خود و خلیفه برحق رسول خدا صلی الله علیه و آله مورد تکریم قرار داده و خواهند داد.

نکته دیگری که ذیل همین عنوان بدان اشاره می‌شود، این است که مونتگمری شیعه را کسانی می‌داند که «مدعی جانشینی به حق علی برای پیامبر خدا هستند»؛ اینکه چنین اعتقادی که همراه با ادله عقلی و نقلی فراوان و انکارناپذیر است، «ادعا» خوانده شود، از یک محقق تازه کار بعید است؛ چه برسد به خاورشناس و اسلام‌شناسی مانند او. این نوشته او به معنای طرفداری یک‌جانبه و بدون مطالعه در منابع اسلامی یا غرض‌ورزی اوست که بدون ذکر دلیل، عملاً نظریه مخالف را پذیرفته و در چند کلمه خود انعکاس داده است (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۲: ۲۹۸-۳۰۰).

لازم به ذکر است که مقاله‌های دیگر مونتگمری وات در این دایرةالمعارف نیز نشان از تأثیرپذیری شدید او از اهل سنت متعصب است؛ از جمله مقاله او در مدخل «ابوبکر». او ناآگاهی و حتی خشم و کینه خود به شیعه را در مداخل دیگر این دایرةالمعارف از جمله «فاطمه» (همان: ۳۰۴) و «حسن و حسین» (همان: ۲۰۹) باصراحت بیشتری نشان داده و بدون سند و ارجاعی، اعتقادات شیعه را نادرست و گاه افسانه می‌خواند.

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت فوق‌العاده دایرةالمعارف‌ها در کسب اطلاعات اولیه درباره موضوعات، ضرورت دارد مقاله‌های دایرةالمعارفی به صورتی عالمانه و دقیق و به دور از یک‌سونگری و غرض‌ورزی تدوین شود. دایرةالمعارف آمریکانا که قدیمی‌ترین دایرةالمعارف انگلیسی‌زبان جهان قلمداد می‌شود و به خاطر این قدمت شهرت و ارزش خاصی دارد، در مقاله‌های خود ایرادات فراوانی دارد. در این نوشته که فقط به نقد مدخلِ مختصرِ نگاشته‌شده «علی» (Ali) در این دایرةالمعارف پرداختیم، با بهره‌گیری از منابع گوناگون تاریخی و حدیثی از اهل سنت و شیعه، اشتباهات متعدد نویسنده مشخص و توضیحاتی در این زمینه ارائه شد که امید است جوامع علمی و خود متولیان این دایرةالمعارف با توجه به این نقدهای علمی در صدد جبران اشتباهات خود در این مقاله و مقاله‌های مشابه دیگر در ویرایش‌های آتی این دایرةالمعارف برآیند.

بررسی این مقاله‌گویای وجود اشکالاتی در آن است که نشان از نداشتن احاطه یا توجه کامل نویسنده به همه منابع تاریخی و کلامی به‌ویژه منابع تاریخی - کلامی شیعه دارد. البته این ضعف اساسی در بسیاری از مقاله‌های مستشرقان به چشم می‌خورد؛ به گونه‌ای که شاید چیزی جز آن منطقی به نظر نرسد. از جهت تاریخی، ایشان موضوعات تاریخی را که باید با توجه به اندیشه‌های گوناگون موجود در داخل ادیان یا همان مذاهب در داخل همان دین نگریست، بدون توجه به اندیشه‌های دیگر و اختلاف آنان بررسی کرده است؛ درحالی‌که در محل وجود اختلافات اندیشه‌ای، تتبع زیاد و غور در اندیشه‌ها و علل اختلاف آنان و... شرط علمیت و انصاف در نوشته‌هاست.

در این نوشته به اشتباهات نویسنده در برخی زمینه‌ها اشاره شده و با ارجاع به مستندات تاریخی و روایی، با توجه به محدودیت ظرفیت مقاله علمی، تا حد بسیار مختصری به اصل ماجرا اشاراتی رفت. نتیجه به‌دست‌آمده در این نوشته، این‌گونه است که اولاً از حیث روش، روش نویسنده این مدخل دچار اشکالات و نقایص پرشمار، از جمله مراجعه نکردن به تمام منابع دست‌اول، حتی از میان منابع اهل سنت و نیز اهمال عمدی در توجه به منابع شیعی است که در موارد مورد اختلاف اندیشه‌ای، درپیش گرفتن چنین روشی، نه معقول و نه صحیح

است. نویسنده مقاله حتی در استناد به منابع اهل سنت نیز به صورت ناقص و گذرا عمل کرده است و فقط منابعی را که دیده یک‌جانبه‌نگر نویسنده را تأیید کند، مطرح نموده است. از حیث محتوا نیز می‌توان گفت محدود کردن حکومت اسلام در دایره عرب، بر خلاف تمام آموزه‌های اسلامی برگرفته از آیات و روایات است. به علاوه، نخستین مسلمان بودن امیرالمومنین علیه السلام بر اساس روایات و تواریخ به حدی مُسَلَّم است که بر اولین مسلمان بودن و نیز دلآوری‌های عجیب و بی‌نظیر ایشان که نقش شگرفی در ثبات و بقای اسلام داشته، ادعای اجماع شده است. در مورد انتخاب ایشان به خلافت در مدینه، افزون بر رسم و سنت هر دوره تاریخی، مثال‌های نقض نقل شده در متن این مقاله بیانگر آن است که در بیعت‌های بعدی که توسط کازاران حکومتی در سرزمین‌های مختلف اسلامی گرفته شد، به غیر از عده‌ای خاص، همگی بر بیعت و انتخاب ایشان صحه گذاشتند. در مورد خوارج که نویسنده آنان را ناراضیان حکومت علوی می‌نامد، دلیل جنگ، نه نارضایتی ایشان، بلکه جنایات و ناامنی‌هایی بود که توسط این عده در مناطق تحت حکومت اسلام انجام می‌شد و تا چنین فجایی رخ نداده بود، حضرت بنا بر تسامح و تحمل ایشان داشت و سرانجام نیز به دست همین گروه، آن هم نه به خاطر کینه‌توزی شخصی، به شهادت رسید. نیز احترام مسلمانان به ایشان، با تمام فرود و فرازها، به خاطر جایگاهی بود که در اسلام داشته و افزون بر شواهد تاریخی، شأن نزول بیش از سیصد آیه از قرآن که در مورد چنین شخصیت باعظمت و بی‌نظیری است، شاهد بر این مدعاست.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن ابی الحدید، عزالدین ابوحماد (۱۳۳۷). شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم (۱۹۶۵م). الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر.
ابن اعثم کوفی (۱۴۱۱). الفتوح، مصحح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران، آموزش انقلاب اسلامی.
ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۹۹۵م). الإصابه فی تمییز الصحابه، بیروت، دار الکتب العلمیه.
ابن حزم أندلسی، ابومحمد علی بن احمد (۱۹۹۶م). الفصل فی الملل والأهواء والنحل، بیروت، دار الکتب العلمیه.

- ابن حنبل، احمد (۱۹۸۲م). مسند احمد بن حنبل، استانبول.
- ابن سعد، محمد بن سعد (۱۴۰۵ق). الطبقات الكبرى، بیروت، دار بیروت.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق). مناقب آل ابی طالب، قم، علامه.
- ابن عبد البر، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد (۱۹۹۲م). الاستیعاب، بیروت، دار الجیل.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۳). دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)، دهم، تهران، مروارید.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۴۰۵ق). کشف الغمة فی معرفة الائمه، بیروت، دار الاضواء.
- أمین عاملی، سید محسن (۱۴۰۳ق). اعیان الشیعه، بیروت، دار التعارف.
- امینی، عبد الحسین (۱۴۱۶ق). الغدير فی الكتاب والسنة والادب، قم، مرکز الغدير للدراسات الاسلامیه.
- بغدادی تمیمی، عبدالقاهر بن طاهر بن محمد بن عبدالله (۱۹۷۷م). دوم، الفرق بین الفرق و بیان الفرقة الناجية، بیروت، دار الآفاق الجديدة.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۹۹۶م). جمل من أنساب الأشراف، بیروت، دار الفکر.
- تقی‌زاده داوری، محمود (۱۳۸۲). تصویر شیعه در دایرة المعارف آمریکانا، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۵۳). الغارات، تهران، انجمن آثار ملی.
- الخصاص الحنفی، احمد بن علی ابوبکر الرازی (۱۴۰۵ق). احکام القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۹). سیره رسول خدا ﷺ، قم، دلیل ما.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق). کشف الیقین، تحقیق: حسین درگاهی، تهران، چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حموی شافعی، ابراهیم بن سعد (۱۴۰۰ق). فرائد السمطین، بیروت، مؤسسة المحمود.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود (۱۳۶۸). الاخبار الطوال، قم، منشورات الرضی.
- ذهبی، شمس‌الدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان (۲۰۰۶م). سیر أعلام النبلاء، قاهره، دار الحديث.
- شرف‌الدین، عبدالحسین (۱۴۳۱ق). موسوعة الامام السيد عبدالحسين شرف‌الدین، ج ۲: النص و الاجتهاد، دوم، بیروت، دار المورخ العربی.
- شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق «الف»). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، مؤسسة آل البيت ع.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق «ب»). الفصول المختارة، قم، کنگره شیخ مفید.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق). اعلام الوری باعلام الهدی، قم، مؤسسة آل البيت ع لاحیاء التراث.

- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۹۶۷م). تاریخ طبری، دوم، بیروت، دار التراث.
فیروزآبادی، سیدمرتضی (۱۳۹۲ق). فضائل الخمسه من الصحاح الستة، تهران، اسلامیه.
قندوزی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۲۲ق). ینابیع المودة لذوی القربی، قم، اسوه.
عاملی، سیدجعفر مرتضی (۱۴۲۶ق). الصحيح من سيرة النبي الأعظم ﷺ، قم، دار الحديث.
کوفی، محمد بن سلیمان (۱۴۲۳ق). مناقب الإمام أميرالمؤمنین علی بن أبی طالب ﷺ، تحقیق
محمدباقر محمودی، قم، مجمع احیاء الثقافة الإسلامیه.
کولب، ویلیام و گولد، جولیس (۱۳۹۲). فرهنگ علوم اجتماعی، مترجم: باقر پرهام و
همکاران، تهران، نشر مازیار، چاپ سوم.
گنجی شافعی، محمد بن یوسف (۱۴۰۴ق). کفایة الطالب فی مناقب علی بن أبی طالب، تهران،
دار احیاء تراث أهل البيت ﷺ.
مادلونگ، ویلفرد (۱۳۷۷). جانشینى محمد، مترجم: نمائی و همکاران، مشهد، آستان قدس
رضوی.
مجلسی، محمدتقی (۱۳۶۳). بحار الأنوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار ﷺ، تهران، اسلامیه.
محمدی اشتهااردی، محمد (بی تا). سیمای مقداد، قم، پیام اسلام.
محمدی ری شهری، محمد (۱۴۲۱ق). موسوعة الامام علی بن ابی طالب فی الكتاب والسنة
والتاریخ، قم، دار الحديث.
مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین بن علی (۲۵۳۶). مروج الذهب ومعادن الجوهر، ترجمه
ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
مقدسی، مطهر بن طاهر (۱۳۷۴). آفرینش و تاریخ، ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران،
نشر مرکز.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). آیات ولایت در قرآن، سوم، قم، نسل جوان.
منقری، نصر بن مزاحم (۱۴۰۳ق). وقعة صفین، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسة آل البيت ﷺ لاحیاء التراث.
یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا). تاریخ یعقوبی، بیروت، دار صادر.
http://www.alastairmcintosh.com/articles/2000_watt.htm ۹۸/۸/۲۲
- Kohlberg, Etan , (1987). "Western Studies of Shi'a Islam," in: *Shi'ism, Resistance and Revolution*, Martin Cramer (editor). Boulder, Westview Presst.
- Montgomery Watt, William (1974). *Muhammad: Prophet and Statesman* By William Montgomery Watt, Oxford University Press.